

بخش دوم و پایانی میزگرد «بحران مالی و اقتصادی غرب، ریشه ها و آثار»

پیامدهای بحران اقتصادی غرب بر اقتصاد کشور



علی کیال



بهروز هادی زنونز: دکترای اقتصاد از دانشگاه علامه طباطبایی، عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی، مشاور مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی، عضو انجمن اقتصاددانان خاورمیانه.



حسن مهدی زاده: دانشجوی سال آخر چارتر مدیریت مالی انجمن سلطنتی مدیران مالی انگلستان، دارای ۱۷ سال تجربه در حوزه های مدیریت مالی و سرمایه گذاری و بورس در انگلستان، مشاور مالی بین المللی در موسسه های بزرگ ایرانی.



داود مسگریان حقیقی: عضو پیوسته جامعه حسابداران خبره در انگلستان (FCCA)، دانشجوی دکترای مدیریت استراتژیک (در حال گذراندن پایان نامه)، دارای سه دهه فعالیت در سطوح ارشد مدیریتی، مدیرعامل و عضو هیئت علمی سازمان مدیریت صنعتی



رحیم رحیم زاده اسکویی: دکترای اقتصاد اجتماعی از آلمان، عضو هیئت علمی دوره کارشناسی ارشد و مشاور عالی سازمان مدیریت صنعتی.



علی دینی: عضو هیئت علمی موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، صاحب نظر و تحلیلگر مسایل اقتصادی، استاد دانشگاه علامه طباطبایی.

شرکت توسعه کاغذ و صنعت گرافیک

اشاره

نیستند.

- وقتی سرمایه در جایی بیش از اندازه متراکم شود، ناچار از روی آوردن به بورس بازی و سفته بازی است.
- قدرت نظارتی دولت بر بازارهای مالی و پولی، باید افزایش پیدا کند.
- بحران و شکست بازار نباید به این معنی باشد که نیاز به صورت افراطی به سمت اقتصاد دولتی بازگردد.
- انتظار می رود بحران مالی غرب تا سال ۲۰۰۹ دوام بیاورد و از آن پس شاهد بهبود اقتصادی باشیم.

در بخش دوم و پایانی میزگرد، صاحب نظران شرکت کننده ضمن بیان دیدگاهها و نظرات خود به نقد و بررسی آثار بحران مالی و اقتصادی آمریکا بر اقتصاد کشورمان می پردازند.

در بخش حاضر، نکات عمده ای نظیر چگونگی مدیریت بر اقتصاد در فضای جهانی، نحوه نوسان ارزش دلار و یورو در شرایط بحرانی، مقایسه اقتصاد کشورمان با اقتصاد کشورهای صنعتی پیشرفته در وضعیت بحران، آثار کاهش درآمدهای ارزی، بررسی کوتاه اصل ۴۴ قانون اساسی و سیاست خصوصی سازی، و سرانجام فرصتها و تهدیدهای ناشی از این بحران، مورد بحث و بررسی شرکت کنندگان قرار گرفته است.

با امید به اینکه این گونه مباحث اقتصادی خوانندگان بویژه مدیران بنگاهها را در شناخت بیشتر واقعیت های اقتصادی، برنامه ریزی و تصمیم گیری یاری رساند، بخش پایانی میزگرد را تقدیم علاقه مندان می کنیم.

در شماره گذشته بیان شد که کانون ریشه های اصلی بحران مالی و اقتصادی آمریکا را باید در بازار داراییها، بویژه کاهش قیمت مسکن در آمریکا، جستجو کرد. بحران در بازار مسکن به آسانی به کل سیستم مالی آمریکا سرایت کرد. در فضای نااطمینانی و بدبینی، بانکها از وام دادن به یکدیگر و به مشتریان اجتناب کردند. مصرف کنندگان اعتمادشان به آینده کم شد و در مصرف خود صرفه جویی کردند. کاهش تقاضای مصرف و کمبود اعتبارات بانکی، مشکل را به بخش واقعی اقتصاد منتقل کرد و به طور همزمان در بورس نیویورک ارزش سهام به نحو بی سابقه ای افت کرد. افزون بر این رشد سریع بازارهای مالی در دو دهه اخیر، کسری بزرگ بودجه دولت بوش، دوبرابر شدن بدهی دولت آمریکا و در نهایت کسری مزمن تراز تجاری آمریکا، همگی زمینه ساز بحران مالی و اقتصادی اخیر بودند.

همچنین برداشته شدن موانع تجارت و سرمایه گذاری به دنبال شکل گیری سازمان تجارت جهانی، ادغام بی سابقه بازارهای مالی و فعالیت بین المللی بانکها، و آزادسازی حساب سرمایه از دیگر عواملی بودند که موجب شدند این بحران در زمان کوتاهی، به اقتصاد دیگر کشورها سرایت کند.

در شماره پیشین نیز بر نکته های زیر تاکید بیشتری صورت گرفت:

- ریشه های بحران را در برخی از عوامل ساختاری باید جست و جو کرد.
- کارگزاران «وال استریت» حاضر به تن دادن به قواعد بازار آزاد

مهدی زاده: در جلسه گذشته در زمینه ریشه‌ها، عوامل و آثار بحران مالی و اقتصادی غرب متناسب با وقت جلسه، نکات مهمی بیان شد. اکنون در جلسه پایانی از دوستان تقاضا می‌شود در مورد اثرات این بحران بر اقتصاد ایران و فرصتها و تهدیدهایی که برای کشور ما ایجاد کرده است اظهاراتی بفرمایند.

زنوز: پیامدهای بحران کنونی بر اقتصاد ایران به چند عامل بستگی دارد: **یکم، موفقیت و یا شکست سیاست دولتها و سازمان‌های بین‌المللی در مهار**

خوشحال باشیم که خرد جمعی حاکم بر کشورهای پیشرفته و ظرفیت‌های نهادی موجود، بسیار بالاست.

● با وجود این مسئله، بحران جاری اثرات منفی خود را بر جای گذاشته است. اقتصاد کشورهای اروپا، آمریکا و ژاپن در سه دهه آخر سال میلادی ۲۰۰۸ وارد دوره رکود اقتصادی شده است و انتظار می‌رود در سراسر سال آینده نیز این رکود استمرار یابد.

● رشد اقتصادی کشورهای چین و هند کاهش خواهد یافت، اما همچنان بالا خواهد بود.

تاثیر می‌گذارد.

۱. در تجارت خارجی، عمده‌ترین کالای صادراتی ایران نفت خام است. به نظر می‌رسد درآمدهای نفتی ایران در سال جاری و سال آینده به شرح (جدول ۱) تحول یابد.

● صادرات غیرنفتی ایران به چند دلیل کاهش خواهد یافت. اول اینکه بسیاری از کالاهای صنعتی صادراتی ایران انرژی‌بر است. بنابراین قیمت محصولاتی مانند میعانات گازی، پتروشیمی، فولاد، مس و صنایع کانی غیرفلزی کاهش خواهد یافت و رابطه مبادله، به زیان ما خواهد



بحران. در این زمینه می‌توان این نکته‌ها را مطرح کرد:

● هر قدر این بحران زودتر مهار شود، پیامدهای منفی آن بر اقتصاد جهانی و از جمله کشور ما کمتر خواهد بود و زمان کمتری اقتصاد ایران در معرض این ناملایمات قرار خواهد گرفت. نکته مهم این است که امروزه در کشورهای جهان، درک عمیق‌تری در مورد علت‌های بحران و روش‌های مقابله با آن وجود دارد و سران آمریکا، اتحادیه اروپا و ژاپن، اقدامات خود را برای مواجهه با این بحران هماهنگ کرده‌اند. ما باید

● در مجموع کشورهای صادرکننده مواد خام با کاهش قیمت‌های کالاهای صادراتی خود مواجه خواهند شد.

● انتظار می‌رود رشد تولید ناخالص جهان در سال آینده کمتر از ۳ درصد باشد. بیکاری و تورم در کشورهای صنعتی افزایش خواهد یافت. رشد تجارت جهانی نیز کاهش خواهد یافت. **دوم، اثرات بحران بر اقتصاد ایران.** در این زمینه می‌توان نکاتی را به این شرح برشمرد.

بحران اقتصادی از مجرای تجارت خارجی و بازار سرمایه بر اقتصاد ایران

بود.

● صادرات غیرنفتی ایران همچون قالی و خاویار و زعفران و غیره نیز به دلیل کاهش تقاضا برای کالاهای لوکس، می‌تواند آسیب ببیند.

● در هفت ماهه اول سال، درآمد صادرات غیرنفتی ایران ۱۱/۴ میلیارد دلار بوده است. به نظر نمی‌رسد تا پایان سال این رقم به بیش از ۱۶ میلیارد دلار برسد.

● واردات ایران در سه سال گذشته جمعا به ۱۵۰ میلیارد دلار سر زد. در هفت ماهه اول سال ۱۳۸۷ واردات کالایی ایران به ۳۳/۵ میلیارد دلار بالغ شد. اگر این روند

ادامه یابد، میزان واردات گمرکی کشور در سال جاری بالغ بر ۵۷/۴ میلیارد دلار خواهد شد.

• بدین ترتیب در سال جاری تراز بازرگانی کشور مثبت خواهد بود. با احتساب خالص صدور خدمات نیز تراز جاری تجارت خارجی ایران همچنان مثبت خواهد شد.

• اما در سال ۱۳۸۸، وضع ما دشوارتر خواهد شد. با این حال درآمدهای ارزی کشور می‌تواند در حد نیاز واردات کالاها و خدمات باشد.

• تحریم اقتصادی که مانع از گشایش اعتبارات اسنادی در تجارت خارجی شده است، هزینه تجارت خارجی را به شدت افزایش خواهد داد.

۲. تا جایی که به حساب سرمایه مربوط است، باید گفت:

• بدهی خارجی ایران در پایان سه ماهه اول سال ۱۳۸۷ حدود ۲۶/۳ میلیارد دلار بوده است. باتوجه به زمان سررسید بدهی‌های خارجی، از این مبلغ، ۱۳/۹ میلیارد دلار در سال جاری و میزان ۳ میلیارد دلار آن در سال آینده بازپرداخت می‌شود.

• امکان استقراض جدید از بازار جهانی

به دلیل بحران مالی در این بازار و نیز تحریم‌ها در عمل وجود ندارد.

• ورود سرمایه‌گذاری خارجی به ایران نیز، هم به دلیل تحریمها و هم به دلیل بحران مالی و نیز اوضاع نابسامان اقتصاد کشور، متوقف شده است.

• اما ریسک خروج سرمایه از کشور به دلیل ریسک نرخ ارز، بالا است.

۳. تحول نرخ ارز:

• نرخ واقعی ارز در ایران به دلیل تورم بالا و دو رقمی اقتصاد کشور و تورم اندک در کشورهای OECD به شدت تنزل یافته و توان رقابتی فعالیتهای اقتصادی کشور به شدت کاهش پیدا کرده است.

• استمرار تورم بالا در داخل و تقویت دلار در قبال ارزهای دیگر، موجب افزایش نرخ برابری دلار از ۹۳۵۷ ریال در سال ۱۳۸۶، به ۱۰۱۹۰ ریال در آذر سال ۱۳۸۷ شده است.

• اگر سفته‌بازان به بازار ارز هجوم آورند و خروج سرمایه از کشور شدت گیرد، بانک مرکزی ناگزیر خواهد بود در بازار ارز مداخله کند. در این صورت ناگزیر خواهد بود بخشی از ذخایر خارجی خود را در بازار به فروش رساند. با توجه به رشد بی‌سابقه نقدینگی در سالهای اخیر

و رکود بازار مسکن و بورس در ایران، ممکن است این مداخله به قیمت از دست رفتن میلیاردها دلار تمام شود.

• اگر چنین شود دست کم بخشی از مازاد نقدینگی در بازار جذب خواهد شد و تورم می‌تواند تخفیف یابد.

• اما این وضع به تشدید بحران در سیستم بانکی خواهد انجامید.

• اگر این کار صورت نگیرد و نرخ ارز در ارقام بالاتری تثبیت شود، توان رقابت صنایع داخلی افزایش خواهد یافت. در عین حال به دلیل افزایش هزینه هر واحد واردات، تورم وارداتی افزایش خواهد یافت.

۴. بودجه دولت:

• سیاست دولت در چند سال اخیر تزریق هر چه بیشتر درآمدهای نفتی در اقتصاد بوده است. این سیاست فارغ از ظرفیت جذب اقتصاد ایران تعقیب شده، در عمل به برداشتهای بی‌رویه از حساب ذخیره ارزی، انجامیده است.

• در این مدت دولت ۱۴۲/۶ میلیارد دلار از ۱۹۷/۶ میلیارد دلار درآمدهای نفتی را به مصرف رسانیده است.

• در سال جاری برداشت دولت از درآمدهای نفتی شاید به رقم ۷۰ میلیارد

سال	مقدار صادرات روزانه نفت خام (هزار بشکه در روز)	قیمت هر بشکه نفت (به دلار آمریکا)	ارزش صادرات نفتی (میلیون دلار)
۱۳۸۴	۲۶۹۱	۵۴/۷۹	۵۳۸۲۰
۱۳۸۵	۲۴۸۶	۶۸/۳۴	۶۲۰۱۱
۱۳۸۶	۲۵۲۳	۸۸/۷۹	۸۱۷۶۴
۱۳۸۷ سه ماهه اول	۲۳۷۲	۱۱۸/۹۵	۲۵۳۹۳
۱۳۸۷ چهارماهه دوم	۲۳۷۲	۹۴	۲۶۷۵۶
۱۳۸۷ پنج ماهه آخر	۲۱۷۲	۵۵	۱۷۹۱۹
۱۳۸۷	-	-	۷۰۰۶۸
۱۳۸۸	۲۱۷۲	۵۵	۵۵۵۹۲

جدول ۱: وضعیت صادرات نفت خام کشور (۸-۱۳۸۴)



زنوزه:

هر قدر این بحران زودتر مهار شود، پیامدهای منفی آن بر اقتصاد جهانی از جمله کشور ما کمتر خواهد بود.

نرخ واقعی ارز در ایران به دلیل تورم بالا و تورم اندک در کشورهای OECD به شدت پایین آمده و توان رقابتی فعالیتهای اقتصادی کشور به شدت کاهش پیدا کرده است.

کسری بودجه دولت را فقط می توان از طریق استقراض از بانک مرکزی یا انتشار اوراق قرضه جبران کرد.

در سال جاری، برداشت دولت از درآمدهای نفتی شاید به رقم ۷۰ میلیارد دلار بالغ شود.

علت افزایش قیمت دلار را باید در بازار داراییها جستجو کرد.

انتظار می رود این بحران و رکود در سراسر سال آینده میلادی ادامه یابد.



دلار بالغ شود. البته این امر درگرو تصویب متمم‌های بودجه است که در ظاهر مجلس باتوجه به وضعیت وخیم کنونی، بعید است آن را تصویب کند.

● هزینه‌های جاری بودجه از ۳۹۴۷۰۹/۵ میلیارد دلار در سال ۱۳۸۳، به ۵۸۳۱۲۶ میلیارد ریال در بودجه مصوب سال ۱۳۸۷ رسیده است.

● هزینه‌های عمرانی دولت نیز در این مدت از ۷۲۳۰۶/۳ میلیارد ریال، به ۲۴۴۵۷۴ میلیارد افزایش یافته است.

● تقریباً ۷۰ درصد منابع بودجه از نفت تحصیل می شود و برخلاف هدفهای برنامه چهارم، کاهش کسری تراز عملیاتی بودجه تا پایان برنامه، محقق نخواهد شد.

● در این وضعیت، موجودی حساب ذخیره ارزی ۲۵ میلیارد دلار اعلام شده است، اما کسری بودجه دولت سر به ۳۰ میلیارد دلار می زند.

● چاره کار صرفه جویی در هزینه هاست. اما تاخیر در پرداخت دیون دولت به سیستم بانکی، مشکل بانکها را از نظر مضیقه منابع آنها دو چندان می کند. عدم پرداخت بدهی معلمان، نارضایتی آنها را در سال انتخابات ریاست جمهوری افزایش می دهد. واردات بنزین نیز اگر متوقف شود، موجب نارضایتی مردم و کاهش سهمیه بنزین آنها می شود.

● دولت خود در تله تورم خود انگیزه گرفته است و هزینه های جاری و عمرانی آن به تناسب تورم افزوده می شود. مزدها و قراردادهای دولتی با تورم شاخص‌بندی شده است.

● در غیاب انعطاف پذیری هزینه های جاری در جهت کاهش، باید از اعتبارات عمرانی کاست. این، یعنی تأخیر در

۵. بورس اوراق بهادار:

● بورس ایران پیش از رسیدن آثار بحران مالی و اقتصادی جهانی، بیمار و درحال احتضار بود. شاخص قیمت سهام در ایران از ۱۲۱۱۳ در سال ۱۳۸۳، به ۱۰۰۸۲ در سال ۱۳۸۶ رسید. هرچند در سه ماهه اول سال، عملکرد بازار بهبود یافت، اما امروزه این شاخص ۱۰۱۹۸ است که باتوجه به تورم هفت ماهه اول سال، درواقع دارندگان سهام با زیان سرمایه‌ای مواجه شده‌اند.

● شوک اقتصاد جهانی موجب از دست رفتن ارزش داراییهای مالی به میزانی بیش از ۴ میلیارد دلار در عرض چند هفته شد.

● کاهش ارزش سهام شرکتهای پتروشیمی، فولاد، مس، آلومینیم وکانی غیرفلزی ناشی از کاهش قیمت جهانی محصولات

● کاهش سرمایه‌ای مواجه شده‌اند.

● شوک اقتصاد جهانی موجب از دست رفتن ارزش داراییهای مالی به میزانی بیش از ۴ میلیارد دلار در عرض چند هفته شد.

● کاهش ارزش سهام شرکتهای پتروشیمی، فولاد، مس، آلومینیم وکانی غیرفلزی ناشی از کاهش قیمت جهانی محصولات

● کاهش سرمایه‌ای مواجه شده‌اند.

● شوک اقتصاد جهانی موجب از دست رفتن ارزش داراییهای مالی به میزانی بیش از ۴ میلیارد دلار در عرض چند هفته شد.

● کاهش ارزش سهام شرکتهای پتروشیمی، فولاد، مس، آلومینیم وکانی غیرفلزی ناشی از کاهش قیمت جهانی محصولات

● چاره کار صرفه جویی در هزینه هاست. اما تاخیر در پرداخت دیون دولت به سیستم بانکی، مشکل بانکها را از نظر مضیقه منابع آنها دو چندان می کند. عدم پرداخت بدهی معلمان، نارضایتی آنها را در سال انتخابات ریاست جمهوری افزایش می دهد. واردات بنزین نیز اگر متوقف شود، موجب نارضایتی مردم و کاهش سهمیه بنزین آنها می شود.

● دولت خود در تله تورم خود انگیزه گرفته است و هزینه های جاری و عمرانی آن به تناسب تورم افزوده می شود. مزدها و قراردادهای دولتی با تورم شاخص‌بندی شده است.

● در غیاب انعطاف پذیری هزینه های جاری در جهت کاهش، باید از اعتبارات عمرانی کاست. این، یعنی تأخیر در

● چاره کار صرفه جویی در هزینه هاست. اما تاخیر در پرداخت دیون دولت به سیستم بانکی، مشکل بانکها را از نظر مضیقه منابع آنها دو چندان می کند. عدم پرداخت بدهی معلمان، نارضایتی آنها را در سال انتخابات ریاست جمهوری افزایش می دهد. واردات بنزین نیز اگر متوقف شود، موجب نارضایتی مردم و کاهش سهمیه بنزین آنها می شود.

● دولت خود در تله تورم خود انگیزه گرفته است و هزینه های جاری و عمرانی آن به تناسب تورم افزوده می شود. مزدها و قراردادهای دولتی با تورم شاخص‌بندی شده است.

● در غیاب انعطاف پذیری هزینه های جاری در جهت کاهش، باید از اعتبارات عمرانی کاست. این، یعنی تأخیر در

● چاره کار صرفه جویی در هزینه هاست. اما تاخیر در پرداخت دیون دولت به سیستم بانکی، مشکل بانکها را از نظر مضیقه منابع آنها دو چندان می کند. عدم پرداخت بدهی معلمان، نارضایتی آنها را در سال انتخابات ریاست جمهوری افزایش می دهد. واردات بنزین نیز اگر متوقف شود، موجب نارضایتی مردم و کاهش سهمیه بنزین آنها می شود.

● دولت خود در تله تورم خود انگیزه گرفته است و هزینه های جاری و عمرانی آن به تناسب تورم افزوده می شود. مزدها و قراردادهای دولتی با تورم شاخص‌بندی شده است.

● در غیاب انعطاف پذیری هزینه های جاری در جهت کاهش، باید از اعتبارات عمرانی کاست. این، یعنی تأخیر در

سال	رشد اقتصادی	تورم
۲۰۰۵	۴/۷	۱۰/۴
۲۰۰۶	۵/۸	۱۱/۹
۲۰۰۷	۶/۴	۱۸/۴
۲۰۰۸	۵/۵	۲۶
۲۰۰۹	۵/۰	۲۲



مهدی زاده:

بحران مالی و اقتصادی غرب، فرصتی برای ایرانیان خارج از کشور به وجود می‌آورد تا اگر دنبال بازار امن‌تری هستند، سرمایه خود را به داخل کشور منتقل کنند.

مقاومتی که در ادارات دولتی برای خصوصی‌سازی وجود دارد، بسیار شدید است.

تأثیر این بحران در بازار سرمایه ایران از طریق بازار کالایی است و نه از طریق مستقیم بازار سرمایه کشورهای دیگر.

هرگاه خطری پیش می‌آید، فرصتی هم در کنار آن به وجود می‌آید.



انرژی‌بر، در بازار جهانی است.

به اعتبارات بانکی بیش از پیش، محدود خواهد شد.

• این درحالی است که نیاز بخش خصوصی به این اعتبارات به دلیل تورم، افزایش هزینه واردات و معاملات نقدی، به شدت افزایش یافته است.

۷. رشد اقتصادی کمتر اقتصاد ایران و نرخ تورم بالاتر

• اما در مورد این پرسش که باتوجه به بحران و رکود اقتصاد جهانی، کشورهای عضو اوپک نظیر ایران باید چه سیاستها و استراتژی‌هایی را در جهت جلوگیری از کاهش درآمد خود بهره گیرند؟ می‌توانم به این نکات اشاره کنم:

• کاهش تولید، تنها چاره کار اوپک است.

• اما عربستان سعودی، کویت و امارات عربی متحده چندان رغبتی ندارند و در ضمن تولید اضافه بر ظرفیت، در میان کشورهای اوپک، امری متداول است.

• در آخرین نشست اوپک، قرار شد ۱/۵ میلیون بشکه نفت از تولید روزانه کاسته شود، اما عکس العمل بازار، چندان جالب نبود.

• در سوم دسامبر، قیمت نفت برنت انگلیس هر بشکه ۴۶/۱۴ دلار بود (۸۷/۹/۱۳).

• نکته دیگر اینکه گفته می‌شود در سه سال گذشته بیشترین درآمد نفتی در طول تاریخ فروش نفت ایران، نصیب کشور شده و این پدیده، فرصت گرانبهایی برای سرمایه‌گذاری و ذخیره‌سازی درآمدهای نفتی بوده است. باتوجه به این موضوع به نظر من مهمترین برنامه‌ها و اقدامات انجام نشده در این حوزه به طور خلاصه، عبارتند از:

• بی‌توجهی به مصوبات برنامه چهارم توسعه در مورد سقف برداشت دولت از درآمدهای نفتی و برداشت ۱۴۲/۶ میلیارد دلار در ظرف سه سال به جای ۴۷ میلیارد دلار،

• اصلاح نکردن نظام مالیاتی و افزایش نیافتن قابل توجه به درآمدهای دولت از این محل،

• اصلاح نشدن قیمت حاملهای انرژی،

• خروج سرمایه از بورس به دلیل انتظارات و بدبینی صاحبان سهام به تغییر نرخ ارز و افزایش ریسک اقتصاد کشور به دنبال رکود جهانی نیز در این میان بی‌تأثیر نبوده است.

• تا زمانی که فضای سرمایه‌گذاری در کشور بهبود نیابد و دولت بر هزینه‌های بخش خصوصی و ریسک آن تأثیر منفی بگذارد، انتظار نمی‌رود اوضاع بورس، بهبود یابد.

• سیاست خصوصی‌سازی دولت نهم در چارچوب توزیع سهام عدالت، بدون آماده کردن بستر فعالیت بخش خصوصی، ضربه بزرگی به صنایع دولتی و آینده آن است و به هیچوجه در خدمت توانمندسازی بخش خصوصی نیست.

۶. تأثیر بحران بر نظام بانکی و اعتبارات:

• نظام بانکی ایران در اثر سیاستهای غیرعلمی پولی و اعتباری دولت مدتها پیش از نظام مالی جهانی، دچار مضمیقه منابع مالی شده است.

• بانکها بیش از توان خود اعتبارات داده‌اند. پرتفوی داراییهای آنها، پر است از وامهای پرخطری که در مسیر توسعه به کار نیفتاده‌اند.

• فساد مالی به دلیل رانت‌های بالای موجود در بانکداری دولتی ایران، بیداد می‌کند.

• تأخیر در بازپرداخت دیون بخش خصوصی و دولتی به سیستم بانکی، امری شایع است.

• با فشار دولت برای اعطای اعتبارات ارزان قیمت به طرحهای زودبازده و دریافت نکردن جریمه‌های دیرکرد، و کاهش نرخهای بهره سپرده‌ها، بانکها، با کمبود شدید منابع مواجه شده‌اند و به استقراض از بانک مرکزی با بهره‌های سنگین، روی آورده‌اند.

• در صورت خروج سپرده‌های بانکی به مقصد بازار دلار، این وضع می‌تواند تشدید شود.

• در صورت انتشار اوراق قرضه خزانه‌داری، دسترسی بخش خصوصی

- شفاف نبودن برنامه مالی دولت در مورد حساب ذخیره ارزی،
- انحلال هیئت امنای حساب ذخیره ارزی،
- بی توجهی به تجدید ساختار دولت و کوچکتر کردن اندازه دولت،
- و سرانجام اینکه سهم هزینه های دولت در تولید ناخالص داخلی از ۱۵/۷ درصد در دوره ۸۳-۷۶ به بیش از ۲۷ درصد در سه سال اخیر رسیده است.

مهدی زاده: ضمن سپاس از توضیحات مفصل از آقای دینی تقاضا می شود باتوجه به تخصص، تجربه و مطالعات خود، در مورد تأثیر بحران مالی و اقتصادی غرب بر اقتصاد کشورمان مطالبی را برای خوانندگان تدبیر بیان فرمایند.

دینی: اجازه می خواهم که چند نکته را در مورد تأثیر این بحران بر اقتصاد ایران مطرح کنم. اول اینکه، درست است که قوی ترین اقتصاد دنیا با بحران مواجه شده، ولی جنس بحرانی که در آنجا وجود دارد، متفاوت از جنس بحرانی است که در اقتصادهایی چون ایران وجود دارد. اقتصاد سرمایه داری - که البته سرمایه داری محض قرن هجدهم و نوزدهم نیست - می تواند با فراز و فرود، کم و بیش از بحران بیرون بیاید، در حالی که اقتصادهایی چون اقتصاد ایران که با بحران ناکارایی شدید روبرو هستند و اساساً از نظر تکامل نیروهای تولیدی و مولد در مرحله عقب تر موسوم به «مادون سرمایه داری» قرار دارند، در صورت تداوم شرایط جاری، ممکن است با چالشهای جدی تر در آینده روبرو شوند.

دوم اینکه، بحران جهانی کنونی قطعاً بر اقتصاد ما از محل های مختلف تأثیر منفی خواهد گذاشت. بخش بانکی و مالی ایران ارتباط مستقیمی با اقتصاد جهانی ندارد و در آن ادغام نشده است. بنابراین نه سرمایه ای از اینجا در بازارهای مالی جهانی وجود دارد که تحت تأثیر منفی بحران قرار بگیرد و نه سرمایه خارجی در بازار مالی ایران وجود دارد که بحران

را به این بازار سرریز کند. با وجود این، اقتصاد ایران از محل نفت، ادغام بالایی در اقتصاد جهانی دارد و سرایت بحران از بخش مالی به بخش واقعی می تواند تأثیر شدیدی بر درآمدهای ارزی بگذارد. در حال حاضر قیمت نفت به زیر ۵۰ دلار کاهش یافته و در صورت افزایش، بعید است که به بیش از ۶۰ تا ۷۰ دلار برسد. روند بلند مدت قیمت جهانی نفت نشان می دهد که همیشه فراز و فرود داشته و دامنه پراکندگی آن بسیار بالاست. در حال حاضر بحران نیز مزید بر علت شده است. با کاهش درآمدهای ارزی چند اتفاق قابل پیش بینی است:

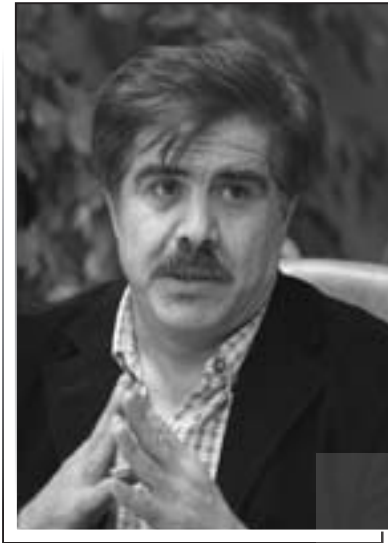
۱) مصرف کل طی سالهای گذشته با درآمدهای افزایش یافته نفتی تحریک شده و در سطح بالایی قرار دارد. این میزان مصرف با درآمدهای ارزی کاهش یافته قابل پاسخگویی نیست و بنابراین انتظار می رود که سطح قیمتها افزایش یابد و فشارهای تورمی بیشتر شود.

۲) با کاهش درآمدهای ارزی، بازار ارز با فشارهای فزاینده برای افزایش نرخ دلار روبرو خواهد شد. هر چه میزان پیش بینی این وضعیت قویتر باشد، کارگزاران و فعالان اقتصادی سعی خواهند کرد با انتقال منابع خود به این بازار از افزایش قیمت دلار در آینده نفع ببرند و این خود دور کاهش ارزش ریال و حرکت سرمایه از بخش های دیگر به بازار ارز را تشدید خواهد کرد. نتیجه اینکه، امکان کنترل نرخ دلار کمتر از گذشته خواهد بود.

۳) همین امر موجب می شود بخشی از سرمایه هایی که در بازار بورس وجود دارند، به سمت بازار ارز حرکت کنند و در نتیجه باید شاهد افت بازار بورس نیز بود.

۴) با افزایش نرخ ارز، هزینه تامین کالاهای وارداتی، واسطه ای و سرمایه ای افزایش پیدا می کند و بر سودآوری بنگاهها تأثیر می گذارد. با کاهش سودآوری، انتظار می رود که قیمت سهام افت کند و در تحلیل نهایی، بازار بورس در تنگنای بیشتری قرار بگیرد.

مهدی زاده: هرگاه خطری پیش می آید،



دینی:

جنس بحرانی که در آمریکا وجود دارد، متفاوت از جنس بحرانی است که در اقتصادهایی چون ایران وجود دارد.

بحران جهانی کنونی، قطعاً بر اقتصاد ما از محل های مختلف، تأثیر منفی خواهد گذاشت.

اگر دولت به امید افزایش صادرات، ارزش ریال را کاهش دهد، بی اعتمادی به آینده را در اقتصاد افزایش می دهد.

با کاهش درآمدهای ارزی پیش بینی می شود سطح قیمتها افزایش یافته و فشارهای تورمی بیشتر شود.

به دنبال کاهش درآمدهای ارزی، بازار ارز با فشارهای فزاینده برای افزایش نرخ دلار روبرو خواهد شد.

یکی از راهکارهای خصوصی سازی این است که شرایط مناسبی برای جذب سرمایه خارجی ایجاد شود.





حقیقی:

اینکه گفته می‌شود، ضربه کمتری از بحران مالی و اقتصادی غرب می‌گیریم، به این دلیل است که بسیار زیر ظرفیت‌های بالقوه خود کار می‌کنیم.

نظام اقتصاد آزاد، یک تیغ دو لبه است، اما آن قدر انعطاف دارد که با رخ دادن چنین رویدادهایی، به هر طریقی با مشکل مقابله کند.

نکته مهم این است که یاد بگیریم بر اقتصاد در فضای جهانی، مدیریت کنیم.

پیش‌بینی می‌شود در پی این بحران نظام اقتصادی «چندقطبی» شکل بگیرد و پرونده جدیدی در نظام پولی باز شود.

به دنبال چند قطبی شدن نظام اقتصادی، به ناچار نظام سیاسی نیز به سمت چند قطبی شدن خواهد رفت.

نظام اقتصادی به تدریج به نفع کشورهای در حال توسعه تعدیل خواهد شد.



فرصتی هم در کنار آن به وجود می‌آید. از دید کشور خودمان می‌گویم، این شرایط فرصتی برای ایرانیان خارج از کشور به وجود می‌آورد که اگر دنبال بازار امن‌تری هستند سرمایه خود را به داخل کشور بیاورند. این بحث در شرایطی مطرح می‌شود که در حال حاضر بازار آمریکا هم برای سرمایه‌گذاری مناسب است.

جرج بوش موضوعی را به نام سرمایه‌داری دموکراتیک (Democratic Capitalism) مطرح می‌کند و آن را شامل ۳ بخش می‌داند:

۱. اعتقاد به اقتصاد آزاد
 ۲. اعتقاد به آزادسازی سازمانهای اقتصادی
 ۳. اعتقاد به آزادی تجارت بین‌المللی.
- ایشان عنوان می‌کند ما باید در مقابل این خواسته که اقتصاد باید بسته باشد مقاومت کنیم و به سیاست بازارهای آزاد خود که استاندارد زندگی را بالا برده و به مردم دنیا برای فرار از فقر کمک کرده است، ادامه دهیم.

آقای سارکوزی رئیس جمهوری فرانسه هم می‌گوید من با آقای بوش موافق هستم که بنیان اقتصاد بازار آزاد نباید مورد خطر واقع شود، ولی ما نمی‌توانیم راهی را ادامه دهیم که باعث این مشکلات شده است، چون مشکلات مشابه، باعث دردسرهای مشابه نیز می‌شود. وی ادامه می‌دهد که هج فاند‌ها (Hedge Fund - نوعی سرمایه‌گذاری مالی خصوصی)، بهشت مالیاتی و بنگاههای مالی نمی‌توانند بدون کنترل به کار خود ادامه دهند.

می‌خواهیم اثرات این موضوع در اصل ۴۴، آزادسازی اقتصاد در ایران و کوچک کردن دولت مورد تحلیل قرار گیرد و اشاره کنم که ما نیز چقدر به طرف این نوع سرمایه‌داری موردنظر آقای بوش می‌رویم؟

دکتر اسکویی: بحثی که در حال حاضر در جهان وجود دارد، بحث ملی کردن بانک‌هاست. در اصل ۴۴ قانون اساسی، اصل بر ملی کردن بوده است؛ زیرا دولت دوم دکتر مصدق صنعت نفت را

ملی کرد و این موضوع در حافظه تاریخ ملت ایران در خصوص ملی کردن تأثیر مثبتی گذاشت و به همین دلیل بعد از انقلاب، اصل ۴۴ تحت عنوان ملی کردن کارخانه‌ها و ملی کردن بانک‌ها مطرح شد، ولی در عمل آنها را دولتی کردیم. مسلم است که این نوع دولتی کردن با شکست قطعی مواجه می‌شود، ولی جایگزین آن خصوصی سازی نیست، بلکه جایگزین آن در چنین شرایطی، ملی کردن است که در هیچ جا راجع به آن بحث نمی‌شود.

بنابراین نکته مهم این است که، کاری که نظام جهانی برای مبارزه با این بحران انجام می‌دهد بحث ملی کردن بانک‌هاست. کاری که ما در مورد صنایع خود در ایران باید انجام دهیم، ملی کردن صنایع و بانکها است.

در بحث ملی کردن، دو بحث متفاوت وجود دارد: مالکیت و مدیریت.

بحث مالکیت در ملی کردن بدین مفهوم است که مالکیت دست افرادی باشد که در آنجا فعالیت می‌کنند. دکتر مصدق، صنعت نفت را ملی کرد و سهام به کسی نداد، بلکه مدیریت آن را ملی کرد، یعنی کسانی که فعالیت می‌کنند، مدیران خود را بدون واسطه انتخاب می‌کنند.

دینی: این نکته که شرایط کلی اقتصاد ایران، فی‌نفسه برای جذب سرمایه خارجی مناسب است بحث غلطی نیست. در بازار بورس ما، سهم سرمایه خارجی به دلیل بسته بودن آن، بسیار اندک است. مساله این است که ریسک سیاسی و به تبع آن ریسک سرمایه‌گذاری در اقتصاد ایران چنان بالاست که سرمایه‌گذار خارجی جرأت وارد شدن به این بازار را ندارد، در ضمن تحریم هم وجود دارد. اگر مناسبات اقتصادی و سیاسی عقلانی‌تری وجود داشت، امکان استفاده از شرایط موجود و جذب سرمایه خارجی نیز وجود داشت. یکی از راهکارهای اصلی خصوصی سازی این است که اقتصاد ایران شرایط مناسبی برای جذب سرمایه خارجی داشته باشد که متأسفانه چنین نیست.

هزار دلار بوده و در سپتامبر ۲۰۰۸، این رقم به ۱۹۱ هزار دلار کاهش پیدا کرده است. وقتی بازار دارائیه‌ها (Asset Market) افت شدید پیدا می‌کند، همه سفته‌بازها انتظار دارند که دوباره قیمت بالا برود.

ارزیابی من این است که خوشبختانه امروزه در جهان، هم علم و دانش لازم نسبت به علل بحران و سیاستگذاری مناسب آن فراهم است، هم ظرفیت نهادی مناسب برای آن وجود دارد. همچنین کشورهای آمریکا، اروپا و ژاپن با هم این بحران را اداره می‌کنند. انتظار می‌رود این بحران تا سال ۲۰۰۹ دوام آورد و از آن پس بهبودی اقتصادی را شاهد باشیم. این نکته از چشم سرمایه‌گذاران پنهان نیست. به هر حال وقتی در بازار دارائیه‌ها، ارزشها به شدت کم می‌شود، انتظار سود سفته‌بازی خیلی بالا در چنین بازاری به وجود می‌آید و همه کس می‌تواند پول خود را به دلار تبدیل کند و به بازار آمریکا انتقال داده و سهام و مسکن را که اکنون قیمت نازلی دارد، خریداری کند.

مسئله دیگر این است که بحران آسیای جنوب شرقی به خیلی از کشورها یاد داد که در چنین مواقعی نمی‌توانند چشم به صندوق بین‌المللی پول بدوزند. به همین دلیل کشورهایی چون چین، روسیه و کره یاد گرفتند که ذخایر خود را بالا ببرند و در مواقع بحرانی، ذخایر بیشتری نگهداری کنند.

در چنین مواقعی تمام کسانی که می‌خواهند ذخایر نقدی نگهدارند، به نظر می‌آید که دلار آمریکا و ین ژاپن را انتخاب کنند، چون فکر می‌کنند ریسک آنها کمتر است، ولی تقویت ین ژاپن و یا دلار آمریکا به نفع اقتصاد و توان رقابتی این کشورها در تجارت بین‌الملل نیست.

به رغم این مسئله چون دلار، پولی است که قابل تبدیل است و سیستم نرخ ارز آمریکا شناور است، بانک مرکزی آمریکا یا فدرال رزرو، اقدام به خرید و فروش دلار نمی‌کند. تنها از طریق سیاست پولی به طور غیر مستقیم می‌تواند بر نرخ آن تاثیر بگذارد.

**تاثیر بحران اقتصادی غرب
از بازارهای پولی
به بخش واقعی اقتصاد
و تولید ما هم
کشیده شده است.**

**در پی این بحران
سرمایه‌های پولی در دنیا
از بازار آمریکا
و بازارهای پیشرفته
در هراس است.**

حقیقی



زنوز: در پاسخ این سؤال که چرا در یک بحران این چنینی، دلار آمریکا تقویت می‌شود، باید به سراغ تحولات بازار دارائیه‌ها رفت. به این معنا که در بازار تجارت هنوز تحول عجیبی رخ نداده است و تنها قرار است رشد حجم تجارت جهانی کم شود. ولی در اقتصاد واقعی قرائن نشان می‌دهد در سه ماهه سوم سال، اقتصاد آمریکا وارد رکود می‌شود.

وقتی نرخهای رکود را نگاه می‌کنیم، کاهش نرخهای رشد خیلی بطنی و کند است و مانند بحران سال ۱۹۳۰ نیست. به عنوان نمونه برای اولین بار در ۱۶ سال اخیر، رشد منفی چند دهم درصدی پیدا کرده است.

به هر حال به نظر می‌رسد که علت افزایش قیمت دلار را باید در بازار دارائیه‌ها جستجو کنیم. اتفاقی که در بازار دارائیه‌ها افتاده این است که قیمت میانه یک واحد مسکونی که خرید و فروش می‌شده در سپتامبر ۲۰۰۷، حدود ۲۱۰

مهدی‌زاده: به عنوان مثال در حال حاضر من می‌خواهم یک شرکت ایرانی را برای یک سرمایه‌گذار خارجی خریداری کنم. به آن شرکت می‌گویم که گزارشهای مالی سال گذشته خود را ارائه کند، ولی این شرکت تنها اطلاعاتی را که در روزنامه چاپ کرده است، در اختیار من می‌گذارد.

مقاومتی که در ادارات دولتی برای خصوصی سازی وجود دارد، بسیار شدید است؛ یعنی حتی اگر پولی در بازار وجود داشته باشد و یا یک خریدار خارجی قصد خریدن این سازمانها را داشته باشد چنین سیستمی نمی‌تواند سرمایه‌گذار خارجی را جلب کند؛ زیرا همه سازمانها مقاومت می‌کنند تا فروش نروند.

حال سوالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که در چنین شرایط بحرانی، چرا ارزش دلار به جای اینکه کاهش یابد، افزایش می‌یابد و به عبارتی تقویت می‌شود؟ چه دلایلی را می‌توان برای این مساله برشمرد؟



اسکویی:

در بحث ملی کردن، دو بحث متفاوت وجود دارد: مالکیت و مدیریت

بحث مالکیت در ملی کردن بدین مفهوم است که مالکیت باید دست افرادی باشد که در آنجا فعالیت می‌کنند.

در اصل ۴۴ قانون اساسی، اصل بر «ملی کردن» است، در حالی که کارخانه‌ها و بانک‌ها را به جای ملی کردن، در عمل دولتی کردیم.

بحثی که در حال حاضر در جهان وجود دارد، بحث «ملی کردن» بانک‌هاست.

نظام سرمایه‌داری آموخته است که چگونه مشکلات سیاسی و اقتصادی خود را به کشورهای دیگر منتقل کند.

نسبت ارزش یورو و دلار به نفع دلار تغییر کرده و موجب شده است که در ایران قیمت به نفع دلار افزایش یابد.



دینی: نکته ای که آقای دکتر زنوز در مورد ضرورت افزایش ارزش دلار به منظور بهبود تراز تجاری مطرح کردند، به نظر من در شرایط کنونی صحیح نیست. درست است که با تضعیف ریال، انگیزه برای صادرات بیشتر و برای واردات کمتر می‌شود، منتها در شرایط فعلی این امر بسیار خطرناک است؛ زیرا فشارهای فزاینده ای در بازار ارز وجود دارد. براین اساس اگر دولت به امید افزایش صادرات بخواهد ارزش ریال را کاهش دهد، بی‌اعتمادی به آینده را در اقتصاد افزایش می‌دهد و ممکن است موجی از نقدینگی که در بازارهای دیگر وجود دارد به این سمت سوق پیدا کند و بدین ترتیب به قدری ارزش ریال کاهش پیدا کند که خروج سرمایه شدت یابد.

اتفاقی که در بازارهای شرق آسیا رخ داد و موجب ورشکسته شدن اقتصاد این کشورها شد، فشاری بود که از کاهش ارزش پولهای ملی آنها شروع شد و موج شدید برای تبدیل پولهای ملی به دلار به وجود آمد که در نهایت اقتصاد را به ورشکستگی نشاناند.

ضمن اینکه توصیه کاهش ارزش پول از اقتصاد جاری و غالب بیرون می‌آید که جای اما و اگر فراوانی دارد، از جمله کشتش پذیری صادرات و واردات در برابر تغییرات نرخ ارز است. متأسفانه در اقتصاد ایران به علت تنگنای ساختاری از جمله عقب‌ماندگی شدید تکنولوژیک، نمی‌توان به صرف تغییرات قیمتی از جمله کاهش ارز، صادرات را تحریک کرد و تراز تجاری را بهبود بخشید.

حقیقی: ما کشوری هستیم که بسیار زیر ظرفیتهای بالقوه خود کار می‌کنیم، اینکه می‌گوییم ما ضربه کمتری از این بحران می‌گیریم، ناشی از همین امر است. لذا چون ما به ناچار در آینده جذب این اقتصاد و این نظام خواهیم شد، باید یاد بگیریم بر اقتصاد، مدیریت کنیم؛ زیرا هرچه اقتصاد پیچیده تر شود، احتمال چنین شوک‌هایی نیز بیشتر خواهد بود.

نکته دوم که درس بزرگی است، این است که انسان خلاق است. نظام

اقتصاد آزاد یک تیغ دولبه است، اما آن‌قدر انعطاف دارد که با رخ دادن چنین اتفاقاتی به هر طریقی با مشکل مقابله کند و احتمالاً خطر بروز حالت بحران اجتماعی به آن صورت که برخی انتظار دارند وجود ندارد. چه عاملی است که موجب انعطاف مردم و سیستم اقتصاد در برابر این گونه بحرانها می‌شود؟ مهم این است که یادگیریم بر اقتصاد در فضای جهانی، مدیریت کنیم.

اما باید گفت که این اتفاق موجب تنزل جایگاه آمریکا خواهد شد، اما نه صرفاً به نفع ما، بلکه یک نظام اقتصادی چند قطبی شکل می‌گیرد. پیش بینی می‌کنم در مورد نظام پولی، یک پرونده جدیدی باز شود و مشارکت جدی‌تری را از ظرف ارزهای مهم نظیر یورو، ین و دلار ... در نظام پولی جهان شاهد باشیم.

به دنبال چند قطبی شدن نظام اقتصادی، به ناچار نظام سیاسی هم به سمت چند قطبی شدن خواهد رفت. اما باید بدانیم این تحولات تدریجی است. به تدریج نظام اقتصادی به نفع کشورهای در حال توسعه تعدیل خواهد شد. بنابراین کشورهایی که این فرصت و مسیر را به موقع بشناسند، از آن بهترین استفاده را خواهند کرد.

مهدی‌زاده: پدیده ای که در بازارها اتفاق افتاده، این است که ما وارد فضایی می‌شویم که دیگر سیستم یک جانبه‌گرایی جایگاهی ندارد و نظام جهانی به سمت چند قطبی شدن خواهد رفت.

از طرف دیگر این طور به نظر می‌رسد که آمریکا در چند سال اخیر سعی کرده است از طریق افزایش نرخ کالاهای اساسی و پایین آوردن نرخ دلار به اقتصاد چین ضربه بزند؛ زیرا چین، اشتباه زیادی برای کالا (Commodity) دارد و وقتی قیمت آن بالا برود و قیمت دلار را پایین بیاورید، ارزش ذخایر چین که دلاری است، پایین می‌آید و از طرف دیگر وقتی قیمت کالا را بالا می‌برید به او ضربه دیگری زده اید و این فرایند بعد از بحران اخیر بر عکس شده است؛ یعنی

نرخ کاهش ارزش یورو بیش از نرخ کاهش ارزش دلار است؛ زیرا دلار امروز هم یک ارز بین‌المللی است و تقریباً کلیه معاملات جهان با آن ارز انجام می‌پذیرد، در نتیجه نسبت ارزش یورو و دلار به نفع دلار تغییر کرده و موجب شده است که در ایران، قیمت به نفع دلار افزایش یابد.

حقیقی: در مورد ایران، ما در چند شاخه متأثر خواهیم بود: یکی اینکه تأثیر این بحران از بازارهای پولی به بخش واقعی اقتصاد و تولید هم کشیده شده است. این رکود در بخش واقعی موجب خواهد شد که بازار تقاضا برای کالاهای اولیه - که ما به صورت نفت و مواد معدنی تولیدکننده آنها هستیم - کاهش قیمت نشان دهد.

ما باید به تغییرات ایجاد شده روی ارزش دلار دقت کنیم، در حال حاضر بالارفتن قیمت دلار خوشحالی زودرسی ایجاد کرده است، ولی چرا قیمت دلار در این شرایط باید بالا برود؟

از طرف دیگر بعد از این بحران، سرمایه‌های پولی در دنیا از بازار آمریکا و بازارهای پیشرفته در هراس است، اگر ما شرایط مساعدی برای جذب سرمایه داشتیم، ممکن است بتوانیم این خلاء را در اندازه ظرفیت اقتصاد خودمان پر کنیم. ولی درست در همین شرایط، ما رابطه چندان خوبی با کشورهای صنعتی نداریم، در آن صورت می‌توانست برای ما فرصت باشد. بنابراین در حال حاضر تأثیری که کاهش قیمت نفت بر اقتصاد ما گذاشته، دارای اهمیت بیشتری است.

مهدی‌زاده: در حقیقت اگر چهار بازار اولیه را در نظر بگیریم، تأثیر گذاشتن این بحران در بازار سرمایه ایران از طریق بازار کالایی است و نه از طریق مستقیم بازار سرمایه کشور های دیگر.

تدبیر: باسپاس فراوان از شرکت کنندگان ارجمند، امید است آنچه در این دو شماره از زبان صاحب‌نظران اقتصادی، پولی و مالی بیان شد، مورد توجه و استفاده علاقه‌مندان قرار گیرد. □

سیاست خصوصی سازی دولت در چارچوب توزیع سهام عدالت بدون آماده کردن بستر فعالیت بخش خصوصی ضربه بزرگی به صنایع دولتی و آینده آن است.

زنوز



خیز منطقه می‌پردازند و بخشی دیگر را نیز به کشورهای صادرکننده نفت از طریق کاهش قیمت نفت منتقل کرده‌اند.

بنابراین نکته این است که باتوجه به ضربه‌ای که به اقتصاد آمریکا وارد شده، اقتصاد اروپا امروز با یک رکود واقعی مواجه است. رکود اقتصاد اروپا، نسبت ارزش یورو به دلار را تغییر داد؛ یعنی کاهش ارزش یورو بیش از کاهش ارزش دلار شد و نسبت این دو تغییر کرد، ولی ما چون در ایران کنترل مدیریتی نرخ ارز داریم، نسبت ارزش یورو به دلار را محاسبه کرده و به قیمت دلار افزوده‌ایم. در صورتی که قیمت دلار افزایش نیافته است، بلکه نسبت ارزش یورو به دلار در اروپا به نفع دلار کاهش یافته و ما آن را محاسبه کرده‌ایم و از این طریق سالی نیز حدود ۵ میلیارد دلار به اقتصاد کشور زیان وارد می‌کنیم.

رکود اقتصاد اروپا کاملاً واقعی است و موجب کاهش ارزش یورو شده است،

ارزش دلار بالا رفته و قیمت کالاهای اساسی در حال سقوط است و باید منتظر بود تا بازی جدید، خودش را در جایی نشان دهد.

حقیقی: به نظر من اگر مقررات ارزی ما به همین صورت فعلی باقی بماند و درعین حال با تداوم سقوط قیمت مسکن در اروپا و آمریکا همراه باشد، ممکن است ما شاهد خروج سرمایه برای خرید این اموال باشیم، هر چند تعداد چنین افرادی زیاد نیست، اما تأثیرگذار خواهد بود.

اسکویی: سؤال دیگر اینکه، چرا قیمت ارز افزایش پیدا می‌کند؟ در پاسخ باید گفت نظام سرمایه‌داری آموخته است که چگونه مشکلات سیاسی و اقتصادی خود را به کشورهای دیگر منتقل کند.

هزینه جنگ آمریکا در عراق و افغانستان روزی ۱۰ میلیارد دلار است، که بخشی از آن را چند کشور عرب نفت